

# یادداشتی به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زنان



آرام ظاهری

هرساله در 8 مارس در اقصی نقاط جهان مراسم هایی برای زنان برگزار و در طی برگزاری این مراسم ها مسائل مهمی در رابطه با آنها یادآوری می شود، از جمله مبارزه با تبعیض های جنسیتی به هنگام استخدام و پرداخت حق الزحمه عادلانه، مشارکت سیاسی و حق رای برای زنان و برجسته کردن دستاورد های زنان در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی.

با آغاز قرن بیستم به دنبال پیشرفت های تکنیکی و صنعتی کارگاه ها و کارخانه ها در آمریکای شمالی و اروپا و همچنین کمبود نیروی کار، زنانی که اجازه کار پیدا کرده بودند به عنوان کارگر وارد کارگاه ها و کارخانه ها شدند و پا به پای مرد ها ساعت های زیادی را تحت شرایط سختی که وجود داشت کار می کردند. با این وجود حق و حقوقشان در برابر مرد ها ضایع می شد. تداوم این وضعیت که در آن زنان کارگر مورد ظلم و ناعدالتی قرار می گرفتند سرانجام به اعتراضات حق طلبانه ی سازمان یافته ای تبدیل شد که تا به امروز ادامه دار است و زنان را و می دارد که در جهت رفع این تبعیض ها و ناعدالتی ها که حق و حقوق زنان را در محیط کار و خارج از آن پایمال می کنند، برآیند.

فعالیت های اعتراضی زنان کارگر در آمریکای شمالی و سراسر اروپا به دلیل شرایط کاری سخت و غیر انسانی با دستمزد بسیار کم، به نقطه آغازی مبدل گشت برای اینکه جرقه ی این اعتراضات به سرتاسر جهان کشانده شود و زنان کارگر جهان علیه این ناعدالتی ها و تبعیض ها بپاخیزند و با ابراز همبستگی، جنبشی هایی را اداره کنند که بعد ها برای سالیان سال یادشان را گرامی بدارند. چراکه این جنبش ها دستاورد هایی را به دنبال داشت که در نتیجه به بهبود وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان، به ویژه زنان کارگر کمک بسیاری کرد. پیش از آن که از روز زن سخنی به میان بیاید، روز جهانی زنان کارگر گرامی داشته می شد و بعدها وسعت فعالیت های حق طلبانه

و عدالت خواه زنان کارگر منجر شد روز هشتم مارس تنها روزی برای گرامیداشت همبستگی میان زنان کارگر علیه تبعیض و ناعدالتی نباشد بلکه تمامی زنان جهان این روز را با همبستگی و همفکری و جلب حمایت حداکثری در جهت مبارزه برای احقاق حقوق انسانی خود، گرامی بدارند.

اگرچه در اوایل، بیشتر، جنبه های اقتصادی حقوق زنان مد نظر فعالین حوزه زنان کارگر بود اما رفته رفته جنبه های سیاسی و اجتماعی نیز در دستور کار قرار گرفت و اینها خودنمایی می کردند. شاید بتوان گفت گذار از مرحله صرفاً اقتصادی به سمت احقاق حقوق سیاسی و اجتماعی باعث شد زنان بیش از پیش برای دفاع از حقوق خود و مبارزه با تبعیض های جنسیتی که در زمینه های بسیاری وجود داشت، متحد شوند و همگام و همصداء ندای برابری خواهی و عدالت طلبی را به دور

افتاده ترین قسمت های گیتی برسانند. انحصار قدرت اقتصادی توسط مردها به عنوان یک اهرم فشار و حکمرانی در زندگی اجتماعی و سیاسی زنان مسبب بروز تبعیض های فراوان و گوناگون بوده است. انحصاری بودن اقتصاد های کلان و حتی خرده اقتصاد ها که در آن برای زنان سهمی قائل نشده باشند، زنان را از هر منظری دچار مشکل می کند.

به عنوان مثال در یک اقتصاد اگر زنان تنها در جایگاه کالا و یا مصرف کننده قرار گرفته باشند قطعاً شاهد عواقب ناگوار اجتماعی جبران ناپذیری خواهیم بود که از به وجود آمدن یک جامعه مترقی جلوگیری می نماید؛ به همین خاطر نقش و حضور زنان در جایگاه مدیران اقتصادی و همچنین فعالیت آنها به عنوان تولید کنندگان ثروت از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

می توان گفت با به وجود آمدن یک بالانس پایدار در انحصار سرمایه در بین زنان و مردان و از بین رفتن یا کم رنگ شدن سلطه اقتصادی مرد ها بر زنان گامی بزرگ در از بین رفتن تبعیض ها و ناعدالتی های جنسیتی برداشته شده است. همچنین در خانواده ها استقلال مالی زنان به خصوص در جوامع جهان سومی و بعضاً در حال توسعه نیز، نقش بسزایی در رفع محدودیت های خصمانه و غیر انسانی ای که در مقابل آن هاست، دارد.

اما همه ی این ها مستلزم برنامه ها و استراتژی هایی هستند که متضمن حضور فعال زنان در عرصه های مختلف اقتصادی باشد. به همین خاطر چه بخش دولتی و حکومتی اقتصاد و چه بخش خصوصی اقتصاد باید تابع قوانینی باشند که در آن حق حضور زنان و شراکت آنها در امور اقتصادی به رسمیت شناخته شده



است. زنان سیاستمدار در عرصه ی مشارکت سیاسی زنان هم بدون شک الزامی است. چراکه با مشارکت دولتی و حکومتی در پیشرفت پروسه سیاسی زنان در عرصه های مختلف سیاسی از جمله در مناصب دولتی و

متصور بود. درصد زیادی از جمعیت زنان جوامع جهان سومی و عقب افتاده هنوز درگیر مسائل مرتبط با آزادی های فردی و اجتماعی هستند و بخشی از آن ها نیز هیچگونه آموزش و آگاهی مدنی ای را درباره حقوق اولیه خود در درجه اول به عنوان یک انسان و در درجه دوم به عنوان یک زن فرا نگرفته اند و به همین خاطر در برابر هر نوع تبعیض، تحقیر و ناعدالتی لب نمی کشانند و ساکت می مانند.

با وجود مشکلات بسیاری که در سر راه زنان وجود دارد اما دستاورد های علمی، فرهنگی و هنری آن ها به خصوص در چند دهه اخیر بسیار چشمگیر و فاخرانه است.

با یک دید سطحی می توان دریافت وضعیت زنان در ایران در مقایسه با وضعیت زنان در بسیاری از کشورهای، اسف بار و ناباورانه است. زنان سرزمینی که هنوز در عرض مطالبات ابتدایی خود مانده اند و سرآخر بایستی با مأموران جمهوری اسلامی دست و پنجه نرم کنند. زنان سرزمینی که هرگاه ندای آزادی و عدالت خواهی سر دادند با خشونت جسمی، جنسی و روانی سیستم سرکوبگر و انسان ستیز جمهوری اسلامی رو به رو شدند. زنان سرزمینی که تا از سیاست گفتند بر سینه هایشان گلوله نشست و زنان سرزمینی که هرگز به مقام انسانیت نرسیدند.

ادعا های جمهوری اسلامی مبنی بر مشارکت سیاسی زنان کذب و عوام فریبانه است. جای خالی زنان در کابینه دولت های جمهوری اسلامی، دال بر این حقیقت است که سیستم مرد سالاری جمهوری اسلامی هرگز به دادن حقوق انسانی زنان تن نمی دهد و اینکه هیچ برنامه ای برای استفاده کردن از توان و قابلیت های زنان در سیستم سیاسی کشور را ندارند.

حضور و نقش زنان در اقتصاد ایران به دلیل سیاست های اقتصادی جمهوری اسلامی حضوری بسیار کم رنگ و ناچیز است و اکثر زنان در سیستم اقتصادی جمهوری اسلامی در جایگاه کالا و مصرف کننده قرار گرفته اند. متأسفانه زنان ایران به دلیل نبود شرایط و فرصت شغلی مناسب، برابر و عادلانه و همچنین شرایط سخت معیشتی ناچار به تن فروشی شده اند، توریسیم های جنسی مشهود و قم و طرح خانه های عفاف که از جانب حکومت ملا ها اداره و سازمان دهی می شود یکی از منجر کننده ترین و تلخ ترین واقعیت های حال حاضر در جامعه ای است که سکان هدایت آن به دست رهبران جمهوری اسلامی می باشد.

## درصد زیادی از جمعیت زنان جوامع

## جهان سومی و عقب افتاده هنوز درگیر

## مسائل مرتبط با آزادی های فردی و

## اجتماعی هستند و بخشی از آن ها نیز

## هیچگونه آموزش و آگاهی مدنی ای را

## درباره حقوق اولیه خود در درجه اول به

## عنوان یک انسان و در درجه دوم به

## عنوان یک زن فرا نگرفته اند

مدیریتی و داشتن حق رای، زنان خواهند توانست در تدوین و تصویب قوانین حمایتی در حوزه های فعالیتی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود بسیار تاثیرگذار واقع شوند. حضور زنان در جایگاه مدیران سیاسی از اهم موضوعاتی است که بایستی به صورت جدی برای احقاق آن تلاش نمود؛ همچنین اصل نصب و عزل مناصب نیز باید بر پایه شایسته سالاری باشد و هیچگونه گزینش جنسیتی اعمال نگردد. حضور فعال

ترین حقوقی است که هر انسانی باید آنرا داشته باشد. از دیگر مسائل بحث برانگیز در رابطه با آزادی های فردی و اجتماعی زنان، میتوان از آزادی در نحوه پوشش، آزادی در انتخاب محل کار، آزادی در انتخاب همسر، آزادی در انتخاب رشته تحصیلی و ... نام برد. هرگاه در جامعه ای آزادی های فردی و اجتماعی زنان از بین رفته باشد دیگر نمیتوان محقق شدن سایر حقوقشان را در آینده ای نزدیک